

بیاد انقلاب اکتبر!

اسماعیل مولودی

e_moloudi@yahoo.se

بمناسبت سالروز انقلاب کارگری اکتبر که در ۸۵ سال پیش اتفاق افتاد و هنوز هم یکی از گرانبها ترین دستاوردهای کارگران در تاریخ معاصر میباشد، میخواهم با شما سخن کوتاهی داشته باشم .

بحث خود را سه قسمت میکنم ،

۱_ زمینه های بوقوع پیوستن انقلاب اکتبر.

۲_ دستاوردهای انقلاب اکتبر.

۳_ چرا اکتبری دیگر لازم است.

۱_ اصولا برای بررسی هر حرکت اجتماعی اشاره به زمینه و تاثیرات آن لازم است، تا اهمیت و جایگاه آن روشن شود و همزمان درس گرفتن از ضعفهای آن نیز بجاست. انقلاب اکتبر جزو جریانهای عظیم اجتماعی تاریخ انسان مدرن و به دستاوردهای مبارزاتی میلیونها انسان کارگر و زحمتکشی تعلق دارد که خالق تمامی نعمات روی زمین اند ولی خود از فوائد آن بی بهره اند.

انقلاب اکتبر بر بستر وضعیت جنگ جهانی اول بوقوع پیوست، چرا که جنگ بین سرمایه داران برای تقسیم جهان بین خود زندگی را بر مردم صد برابر مشقتبار تر کرده بود.

جامعه روسیه انقلاب ۱۹۰۵ را پشت سر گذرانده بود، قحطی و جنگ جان میلیونها را گرفت، احزاب بورژوائی و لیبرال بنام دفاع از میهن مردم را به کشتارگاه جنگ روانه میکردند، در چنین شرایطی تودههای کارگر و زحمتکش توانستند با انقلاب خود بورژوازی را بزنانودر آورند و خود تحت رهبری حزب بلشویک قدرت را بدست گیرند. انقلاب اکتبر ضربه جدی به بورژوازی وارد آورد. بورژوازی از ترس گسترش انقلاب

اکتبرخود را متحد کرد. ۱۴ کشور اروپائی و آمریکا علیه انقلاب اکتبر متحد شدند، آنرا محاصره اقتصادی کردند و از هیچ توطئه نهان و آشکار علیه آن دریغ نکردند (کورنیلف با حمایت کادتها تلاش کرد که حکومت نظامی سر کار آورد). اما قدرت و دامنه نفوذ انقلاب اکتبر همه توطئه ها را خنثی کرد و کارگران برای دفاع از حاکمیت طبقاتی خود در مقابل بورژوازی خود را در شورا های انقلابی سازمان دادند و حکومت شورائی را اعلام کردند. انقلاب اکتبر پیروز شد.

۲_ دستاوردهای انقلاب کارگری اکتبر!

انقلاب اکتبر محصول مبارزات خونین طبقه کارگر روسیه بود که در مقابل بورژوازی ایستادند. کارگران وقتی بقدرت رسیدند، در اولین بیانیه خود جنگ را محکوم کردند و برای ختم کشتار مردم راه صلح آمیز و عادلانه را به جهان ارائه دادند.

حکومت کارگران در اولین قانون اساسی مصوب ۱۹۱۸ چنین نوشتند.

هدف اصلی قانون اساسی سرکویی کامل بورژوازی ، امحای استثمار انسان بوسیله انسان واستقرار سوسیالیسم است.

به منظور تامین دسترسی زحمتکشان به دانش امکان تحصیلات همه جانبه ، کامل و رایگان برای کارگران و فقیرترین دهقانان را هدف خود قرار میدهد.

به منظور تامین آزادی راستین عقیده برای زحمتکشان ... جدایی مذهب از دولت، آموزش و پرورش از مذهب ، آزادی تبلیغ مذهبی و ضد مذهبی برای کلیه شهروندان ، برسمیت شناخته میشود.

کار را وظیفه همه شهروندان این جمهوری وشعار هرکه کار نکند نمی خورد را شعار خود اعلام میکند.

به کلیه پناهندگانی که بخاطر جرایم سیاسی ، ویا مذهبی مورد آزار واذیت قراردارند حق پناهندگی اعطا میکند.

تساوی حقوق کلیه شهروندان صرف نظر از نژاد ویا ملیت آنان به رسمیت میشناسد. واعلام میدارد که ایجاد ویا تحمیل هرگونه امتیاز یا برتری براین اساس ویا هرگونه ستم براقلیت های ملی ویا تطبیق برابری آنان ناقض قانون اساسی این جمهوری خواهد بود.

حقوق کامل سیاسی شهروند روسی را به جهت اشتغال به کار و الحاق به طبقه کارگر یا به دهقانان بدون استخدام کار دیگران، به خارجیان ساکن قلمرو جمهوری روسیه اعطا میکند و به شوراها محلی اختیار میدهد تا به چنین خارجیانی بدون هیچ گونه تشریفات زائد حقوق شهروندی اعطا کنند.

(نقل از مارکسیسم و مسئله شوروی بولتن شماره ۳)

نمونه هایی از مصوبات انقلاب کارگری اکتبر این ها بود. دولت شورا ها برای مقابله با عقاید و خرافات مذهبی دست مذهب را از دولت و آموزش و پرورش جدا میکند و اعلام میدارد که «هر گونه نشانی از اینکه شخص به مذهبی اعتقاد و یا بی اعتقاد است از مدارک قانونی حذف شود»

همچنین اعلام میکند که تعلیمات مذهبی در اماکن دولتی و یا خصوصی که در آن تعلیم و تربیت عمومی صورت میگیرد ممنوع است و یا اعلام کرد که «هیچ تمایزی بین اولاد محصول ازدواج و خارج ازدواج نیست».

دولت شورا ها به تمام کسانی که به جمهوری شوروی پناه میبرند بدون هیچ تشریفات حقوق شهروندی برابر با مردم روسیه میدهد. ولی امروز ما شاهد وحشیانه ترین رفتار با مهاجرین در کشور های اروپائی، کانادا و آمریکا هستیم.

اینها نمونه هایی از تلاش برای یک دنیای بهتر برای دنیایی عاری از استثمار انسان از انسان برای دنیایی که اندیشه نوین انسانها شکوفایی یابد و در خدمت رفاه و آسایش انسان باشد. دقیقا پلاتفرم یک دنیای بهتر و برعلیه دنیایی که سرمایه و سرمایه داری ساخته و به جهنمی بر ای مردم کارگر و زحمتکش تبدیل کرده است . امروز در آمریکا و اروپا از هر وسیله ای استفاده میکنند تا دست مذهب و عقاید مذهبی را در مدارس ، دولت و جامعه باز کنند و سعی میکنند تعالیم کثیف مذهبی را به خورد بچه ها در مدارس بدهند و خدمات اجتماعی به مادرانی که کودکان خارج از ازدواج دارند قطع کنند. در همان زمانی که انقلاب اکتبر پرچم برابری انسانها را بلند کرد در آمریکا ازدواج بین سیاهان با سفید ها ممنوع بود.

راستی اگر انقلاب کارگری اکتبر اتفاق نمی افتاد و تاریخ قرن بیستم و سرنوشت میلیاردها آدمی که در آن بودند چه میشد؟

تصور کنیم انقلاب اکتبر اتفاق نمی افتاد و بورژوازی هیچ مانعی را در مقابل خود نمی دید. بنظر من دنیا سیاه می بود و زندگی مشقت بارتر. چرا؟

از جنگ های جهانی اول و دوم نام میبرم که باعث ویرانی و خانه خرابی و کشتار دهها میلیون انسان شدند هیچ اثر مثبتی از خودجا نگذاشتند دنیا تا به امروز رهبران و بنیان این دو جنگ را نفرین میکنند.

اما انقلاب اکتبر به پشتوانه ای برای کلیه حرکت های اجتماعی و سیاسی و انقلابی که در طول هشتاد سال تاریخ مدرن دنیا اتفاق افتاده تبدیل شد. حتی امروز انسان های شرافتمند، کارگران و آزادی خواهان بردستاوردها و پشتوانه اکتبر فخر میکنند. نگاه کنید انقلاب اکتبر طبقه بورژوازی را مجبور کرد که دمکرات بشود، رفرم کند و جامعه را قابل تحملتر کند. برای اینکه اکتبری در منطقه حاکمیتشان اتفاق نیفتد مجبور شدند دست کلیسا را از زندگی مردم تاحدی کوتاه کنند و برای کلیسا لوترکینگ بسازند. تمام کارگران در دنیا در مقابل طبقه حاکم شعار و خواسته های اکتبر را سرلوحه حرکت های خود قراردادند. تشکیل اتحادیه های عظیم کارگری، حق رای عمومی، حق رای برای زنان و شرکت آنها در فعالیتهای اجتماعی، خواسته های برابری و عادلانه همه و همه بیمن انقلاب کارگری اکتبر مردم مبارز و آزادیخواه توانستند به بورژوازی تحمیل کنند. تمام حرکت های آزادی خواهانه، ملی گرایانه یا جنبش های رهایی بخش همه و همه از بهر انقلاب اکتبر توانستند خواسته های خود را در مقابل دشمنان خود فرموله کنند.

سال ۱۹۱۸ شوراهای عظیم کارگری در مونیخ بوجود آمدند، قیام کارگران وین در اطریش اتفاق افتاد، انقلاب کارگری ۱۹۱۹ مجارستان بوقوع پیوست، جبهه ضد فاشیستی در سراسر اروپا شعارهای برابری طلبانه و آزادیخواهانه انقلاب اکتبر را در مقابل فاشیستها بدست گرفتند. جنبش های رهایی بخش در آفریقا و آمریکای لاتین و آسیا، تشکیل

احزاب رادیکال و سوسیال دمکرات در اروپا همه و همه از اکتبر و انقلاب کارگری اکتبر بعنوان پشتوانه ای در مقابل دشمنان خود علم میشوند و با بدست گرفتن شعار های اکتبر بجنگ طرف مقابل خود میروند. در یک کلام اگر انقلاب اکتبر اتفاق نمی افتاد واقعا دنیا برای مردم کارگر و زحمتکش سیاه تر از این میبود. اینجاست که انقلاب اکتبر امید و عشق به رهائی را در دل کارگران و احزاب رادیکال شعله ور ساخت. این ضربه سختی به پیشرفت سیاستهای بورژوازی بود. در نتیجه تلاش کرد که بهر وسیله آنرا از ذهن مردم بزدايد.

بورژوازی برای اینکه اکتبر را به شکست واقعی بکشاند متوجه شد، که با توطئه های آنی و فوری نمیشود، سعی کرد به اکتبر چه از درون و چه از بیرون حمله کند. بار اول بنام خود اکتبر و بدست کسانی که در اکتبر شرکت کردند به انقلاب اکتبر حمله کرد و بورژوازی دولتی را بنام کمونیسم و سوسیالیسم با زور و اعدام و شکنجه به مردم کارگر و زحمتکش روسیه حقه کردند، (البته در مورد شکست انقلاب اکتبر نمیشود بهمین سادگی صحبت کرد و در طاقت این برنامه کوتاه نیست، جریان کمونیسم کارگری که در حزب کمونیست ایران بود (بعدها جدا شد حزب کمونیست کارگری را تاسیس کرد) در این مورد مباحثات مفصلی در بولتن مباحثات شوروی پیش برده. که شنوندگان عزیز را به مطالعه آنها رجوع میدهم).

بورژوازی متوجه شد که با شکست داخلی و اقتصادی و سیاسی نمیتواند آرمانهای اکتبر را از ذهن و فکر توده ها پاک کند. انقلاب اکتبر بذری کاشته بود که به این سادگی نمی شد نابودش کرد.

این کار وقت زیادی را لازم داشت.

۳- چرا اکتبری دیگر؟

سال ۸۹ از طرف بورژوازی جهانی سقوط بلوک شرق و فروپاشی سرمایه داری دولتی در روسیه و کنار رفتن دیوار برلین بعنوان پیروزی بر انقلاب اکتبر جشن گرفته میشود. بوق و کرناها بکار میافتند و ژورنالیست نوکر سوژه گیر می آورد. باشکست اکتبر و در بوق کرنا کردن پیروزی بازار آزاد. شاهدیم که دهه ۹۰ با حمله افسار گسیخته بورژوازی

بسطح معیشت انسانها و پائین آوردن امکانات رفاهی و بهداشتی و اجتماعی در جوامع غربی، بیکاری میلیونی کارگران در اروپا و آمریکا، حمله برادیکالیسم و هر چه اندیشه آزادیخواهانه و سرانجام شیپور نظم نوین جهانی، اول با جنگ خلیج نواخته میشود.

بازار آزاد چهره کریه خود را تا حال نشان داده. زنده کردن عرق میهنی و مذهبی، انسانها را بجان هم انداختن، پرده دوم بود که هنوز جامعه بشری را آزار میدهد. ولی سنتهایی که بلشویک ها در جریان انقلاب کارگری اکتبر برجا گذاشتند آن چنان تیزی به انسان آخر قرن بیستم داده که سرمایه داری نمیتواند با هیچ تلاشی آنرا پاک کند. به انبوه اعتراضات کارگری در همین یکساله اخیر در دنیانگاه کنید از اعتراضات کارگران پست آلمان و حمل و نقل فرانسه، اعتراضات کارگری در آمریکا و کانادا تا اعتصابات کارگران نفت، نیشکر هفت تپه و کارگران معادن در شاهرود... در ایران، پوچی تلاش بورژوازی را برای به زانو در آوردن ایده های اکتبر به ثبوت می رساند و بار دیگر این شعار جاویدانی مارکس را زنده میکند، سرمایه داری با خودش گورکن خودش را هم به دنیا می آورد.

امروز شاهدیم که سیاستهای بازار آزاد بانی بحرانهای عظیمی در اروپا، کانادا و آمریکا است. پیشرفت تکنولوژی که باید در خدمت آسایش بشر باشد، سرمایه آنرا به بیکاری، گرانی، بی حقوقی بر زنان و در یک کلام بجهنمی برای انسان امروزی تبدیل کرده. دست مذهب و خرافات مذهبی را بر زندگی آدمها باز کرده. درمانگاهها را تعطیل میکنند و بجایش هر کلیسا و مسجد خراب شده ای را آباد میکنند. به نوشته روز نامه امریکائی والستریٹ ژورنال در روسیه هر ماه چهار کلیسا بنا و یا مرمت میشوند. اینها نمونه هایی جزئی از سیاستهای ضد بشری سرمایه در آخر قرن بیستم است. فاکتورهایست که نشان میدهد که سرمایه داری چه بلائی برای زندگی انسانهاست و تنها راه رهایی از این ستم و فشار انقلاب کارگریست. اینجاست که اکتبری دیگر ضروری است تا بشر مدرن و آزادیخواه را از این بلا برهاند و ارزشها واقعی انسانی زندگی انسانها را رقم بزنند.

برای حسن ختام به یک واقعه جالب و تاریخی اشاره می کنم، در روسیه یلتسین

اوائل سر کار آمدنش تصمیم میگیرد مجسمه لنین را از آرامگاهش بردارد. مردم جمع میشوند و اعتراض میکنند، در این میان خبرنگار سی ان ان سراغ پیرزنی که در جمع معترضین بود میروود ، از او میپرسد لنین برای تو چه معنی دارد؟

پیرزن در مقابل دوربین خبرنگار که بهتزده از جواب او میشوند میگوید، برای من لنین یعنی رفاه، زندگی تامین شده، تعطیلات تضمین شده، بیمه بازنشستگی کافی و امید به یک دنیای بهتر برای نوه هایم .

"زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است." از منصور حکمت برنامه یک دنیای بهتر

زنده باد انقلاب اکتبر!

۱۹ اکتبر ۲۰۰۲

